

نگاهی جامعه‌شناختی به شعر کلیم کاشانی بر مبنای نقد تکوینی

دکتر فرهاد طهماسبی^۱

مجتبی دستجردی^۲



چکیده

این مقاله با هدف نقد تکوینی اشعار کلیم کاشانی نگارش یافته است. این شیوه از نقد، روش خاص گلدمن در جامعه‌شناسی ادبیات است که با عنوان جامعه‌شناسی ادبی نیز شناخته می‌شود. بر مبنای این روش، نخست جهان‌نگری شاعر بررسی شده است؛ سپس ویژگی‌ها و عناصر سبکی شعر کلیم در سه سطح زبانی، فکری و ادبی در توازی با مسائل اجتماعی جامعه‌ی معاصر شاعر بررسی و ارتباط هریک از آنها با آنچه در آن جامعه به‌عنوان مسئله‌ی اجتماعی قابل مشاهده است تبیین و تشریح شده، گاه این مسائل از پیش آشکار بوده‌اند و فقط چگونگی اثرگذاری آنها بر شعر کلیم مشخص شده است؛ از جمله‌ی این مسائل تغییر مذهب رسمی کشور از تسنن به تشیع، رفاه اقتصادی و فردگرایی را می‌توان نام برد؛ گاه نیز بررسی برخی ویژگی‌های سبکی شعر کلیم منجر به کشف بعضی مسائل اجتماعی شده است که ردپایی از آنها در کتب تاریخی و اجتماعی مرتبط با عصر صفوی قابل مشاهده نیست؛ مسائلی از قبیل کاهش اعتماد اجتماعی و شکل‌گیری فاصله‌ی اجتماعی در این زمره‌اند.

کلیدواژه‌ها: کلیم کاشانی، گلدمن، نقد تکوینی، اعتماد اجتماعی، فاصله‌ی اجتماعی.

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام‌شهر.

پست الکترونیکی: farhad.tahmasbi@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

* نویسنده‌ی مسئول: mojtabadastjerdi@yahoo.com

۱- مقدمه

هنگامی که آگوست کنت، پدر علم جامعه‌شناسی، نخستین پایه‌های این دانش را پی‌ریزی می‌کرد، یا زمانی که امیل دورکهایم، کارل مارکس و ماکس وبر، هر یک راه نوینی پیش روی جامعه‌شناسی می‌گشودند، شاید در مخیله‌شان هم نمی‌گنجید روزی این علم از مرزهایی همچون فرضیه، داده‌های آماری، مشاهدات عینی و... فراتر رود، به دنیای پهناور ادبیات نیز پا بگذارد و علم نوینی به نام جامعه‌شناسی ادبیات پایه‌گذاری شود، اما با گذر زمان این اتفاق رخ داد.

جامعه‌شناسی ادبیات نیز همچون دیگر علوم، مسیر پرفرازونشیبی را پشت سر گذاشت تا سرانجام گذر آن به ذهن خلاق و توانمند بزرگانی چون جورج لوکاچ و لوسین گلدمن افتاد. درست از همین جا بود که علم جامعه‌شناسی با مقوله‌ای هنری درآمیخت، روشی پی‌ریزی شد که نقد تکوینی نام گرفت و بعدها از آن به‌عنوان جامعه‌شناسی ادبی نیز یاد شد. اکنون ما برآنیم با هدف شناخت بیشتر جامعه‌ی عصر صفوی و نشان‌دادن ظرفیت شعر فارسی برای به‌کارگیری این روش از جامعه‌شناسی ادبیات، به نقد تکوینی اشعار کلیم کاشانی بپردازیم.

۱-۱- پیشینه‌ی تحقیق

روش نقد تکوینی بارها در ادبیات جهان آزموده شده است و ادبیات فارسی نیز به‌ویژه در حوزه‌ی داستان‌نویسی معاصر از آن بی‌بهره نمانده، اما به‌دلیل برخی دشواری‌ها، کمتر کسی به بررسی جامعه‌شناسانه‌ی شعر فارسی با استفاده از این روش روی آورده است؛ دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب زمینه‌ی اجتماعی شعر فارسی و دکتر محمود عبادیان در کتاب تکوین غزل و نقش سعدی به برخی زمینه‌های اجتماعی در شعر فارسی پرداخته‌اند. رساله‌ی دکترای فرهاد طهماسبی نیز

است همواره ارتباط تنگاتنگی میان سبک هنرمند و جامعه‌ی وی برقرار است.

گلدمن نیز همچون لوکاج معتقد است ساخت‌های اجتماعی بر ساختار اثر ادبی تأثیر می‌گذارند. روشی که او در بررسی آثار ادبی در پیش می‌گیرد، ساخت‌گرایی تکوینی نام دارد. این شیوه در واقع، گونه‌ای از نقد ساختاری است. آن‌گونه که گلدمن می‌گوید: «وظیفه‌ی نقد ساختاری از سه مرحله تشکیل می‌شود: ۱- استخراج اجزای ساختار اثر؛ ۲- برقرار کردن ارتباط موجود میان اجزا؛ ۳- نشان دادن دلالتی که در ساختار اثر هست.» (گلدمن، ۱۳۸۲: ۱۰). اما چگونه نقد ساختاری به نقد تکوینی می‌انجامد؟

گلدمن معتقد است، اگر نقد ساختاری به بررسی ارتباط بین ساختار اجتماعی و ساختار ادبی اثر بپردازد و به کشف ارتباط بین این دو منتهی شود، آنگاه این شیوه از نقد، نقد تکوینی یا همان ساخت‌گرایی تکوینی است. اما باید دید این شیوه از نقد، چگونه به ارتباط میان ساختار ادبی با ساختار اجتماعی‌ای که اثر در آن شکل گرفته، پی برده است؟ گلدمن در این باره می‌گوید: «خاستگاه ساخت‌گرایی تکوینی این فرضیه است که هر رفتار انسان کوششی است برای دادن پاسخی معنادار به وضعیتی خاص و از همین رهگذر، گرایش به آن دارد تا تعادلی میان فاعل عمل و موضوعی که عمل بدان مربوط می‌شود، یعنی جهان پیرامون آدمی برقرار کند.» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۳۱۵).

بی‌تردید مهم‌ترین مسئله‌ای که در نقد تکوینی باید به آن توجه کرد، مبحثی است که گلدمن تحت عنوان «حداکثر آگاهی ممکن» و «فرد استثنایی» پیش می‌کشد. می‌دانیم که هر گروه اجتماعی، جهان‌نگری ویژه‌ی خود را دارد، اما آیا همه‌ی اعضای گروه از بالاترین سطح این جهان‌نگری بهره‌مندند؟ از نظر گلدمن پاسخ این پرسش منفی است. او معتقد است در هر گروه اجتماعی، فقط افرادی معدود و گاه حتی یک فرد، که وی ایشان را «فرد استثنایی» می‌نامد، از درجات بالای جهان‌نگری آن گروه

از این شاعران پس از چندی سکونت در هند به ایران باز می‌گشتند و طبیعی بود که تحت تأثیر همین مسئله، انتقال فرهنگی متقابل میان دو کشور صورت می‌گرفت و به دنبال آن، بخشی از این تأثیرپذیری فرهنگی، خود را در آثار ایشان جلوه‌گر می‌ساخت. نمونه‌ی این تأثیرپذیری کاربرد فراوان تشخیص در شعر سبک هندی است که صاحب‌نظران آن را ماحصل التقاط فرهنگی ایران و هندوستان در عصر صفوی دانسته‌اند. شمس لنگرودی در بیان دلیل بهره‌گیری بیش‌ازپیش شاعران از تشخیص، به گفته‌ی زریاب خوبی استناد کرده و می‌آورد: «شاید عامل پیدایش این ویژگی در این طرز، فکر عرفانی آمیخته با تفکر فلسفی باشد که از یک‌سو منبع آن در هند است و از سوی دیگر با ظهور عرفایی مانند محیی‌الدین ابن‌عربی و دیگران سخت‌گسترش یافته و اساس آن وحدت وجود بود. این اعتقاد به وحدت وجود شاید سبب شده بود که همه چیز را جاندار و انسان‌وار ببینند و به طبیعت بی‌جان، روح و جان بخشند و نبات و جماد را نیز مانند انسان دارای عاطفه و احساس بدانند.» (شمس لنگرودی، ۱۳۷۲: ۶۸). به‌هرروی تشخیص، در شعر کلیم همچون شعر دیگر شاعران سبک هندی پرکاربرد است:

چنگ در بزم طرب از بس که گرم عشرت است آن قدر فرصت نمی‌یابد که سر بالا کند
(همدانی، ۳۷۱۳۶۹:)

عزت دیگر بود در دامن صحرا مرا می‌گذارد هر کجا خاری است سر در پا مرا
(همان: ۲۲۹)

۳-۳-۷- پارادوکس

پیش‌ازاین نیز به تناسب موضوعات مورد بحث گفتیم که یکی از مسائل اجتماعی عصر صفوی فردگرایی حاکم بر جامعه بوده است. این مسئله آثاری بر مردم جامعه دارد

جبری او به انفعال و ناامیدی منجر می‌شود.

سطح زبانی شعر کلیم تحت تأثیر دو تغییر عمده‌ی اجتماعی در عصر صفوی قرار دارد؛ تغییر مذهب و تلاش شاهان صفوی در ترویج تشیع، به بیرون آمدن شعر از دربار و نشر آن در بین عامه‌ی مردم می‌انجامد؛ از سوی دیگر، رفاه اقتصادی نیز فرصتی مناسب برای بخش وسیعی از مردم اجتماع فراهم می‌آورد تا به فعالیت‌های هنری نظیر شعر و شاعری بپردازند؛ این مسائل در نهایت منجر به این می‌شود که زبان شعر تحت تأثیر شعرسرایی این افراد قرار بگیرد و به افزایش لغات و اصطلاحات عامیانه در شعر بینجامد. ترویج اندیشه‌ها و مبانی اعتقادی مذهب تشیع نیز بر سطح زبانی شعر این دوره مؤثر می‌افتد و واژگانی نظیر محرم، کربلا، شهید و... در شعر کلیم پربسامد می‌شود.

سطح فکری شعر کلیم بیشتر تحت تأثیر فردگرایی حاکم بر جامعه‌ی عصر صفوی است؛ این مسئله به کاهش کار گروهی و کنش متقابل افراد جامعه منجر می‌شود و در نهایت موجبات عدم وجود جهان‌نگری ویژه‌ی شاعر را در شعر او فراهم می‌آورد. سطح ادبی شعر کلیم از مسائل اجتماعی گوناگونی تأثیرپذیر بوده است. اسلوب معادله تحت تأثیر کاهش اعتماد اجتماعی پا به عرصه‌ی شعر می‌گذارد؛ بیت فرد نمایش شکل هنری مسئله‌ی فاصله‌ی اجتماعی است که این مسئله با کاهش ارتباط اجتماعی پیوند دارد؛ تلاش برای دستیابی به معنی بیگانه نیز تحت تأثیر مسئله‌ی فاصله‌ی اجتماعی و دوری‌جستن انسان عصر صفوی از آشنایان خود در شعر پدیدار می‌شود؛ بسامد بالای اغراق ناشی از رواج اندیشه‌های شیعی مبتنی بر غلو و مبالغه است؛ دقت در جزئیات از مسئله‌ی فردگرایی و رفاه اقتصادی حکایت دارد؛ تشخیص با سفر شاعران به هندوستان و تبادل فرهنگی میان دو کشور در ارتباط است، سفرهایی که به دلیل تغییر مذهب و نارضایتی برخی شاعران از حضور در ایران و دربار صفوی

منابع

کتاب

۱. بیرو، آلن. (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه‌ی باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
۲. حسن‌پور آلاشتی، حسین. (۱۳۸۴). طرز تازه. تهران: سخن.
۳. خمینی، سیدحسن. (۱۳۸۹). فرهنگ جامع فرق اسلامی. (ج ۲). تهران: اطلاعات.
۴. راورداد، اعظم. (۱۳۹۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. تهران: دانشگاه تهران.
۵. راوندی، مرتضی. (۱۳۸۳). تاریخ اجتماعی ایران. (ج ۴). تهران: نگاه.
۶. زتومکا، پیوتر. (۱۳۹۰). اعتماد، نظریه‌ی جامعه‌شناختی. ترجمه‌ی غلامرضا غفاری. تهران: شیرازه.
۷. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
۸. شمس لنگرودی، محمد. (۱۳۷۲). سبک هندی و کلیم کاشانی. تهران: مرکز.
۹. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۲). تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان فارسی. (ج ۱). تهران: فردوس.
۱۰. فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۵). نقد ادبی در سبک هندی. تهران: سخن.
۱۱. گلدمن، لوسین. (۱۳۷۱). جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان). ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده. تهران: هوش و ابتکار.
۱۲. . (۱۳۸۲). نقد تکوینی. ترجمه‌ی محمدتقی غیائی. تهران: نگاه.
۱۳. محمدی، محمدحسین. (۱۳۷۴). بیگانه مثل معنی. تهران: میترا.
۱۴. نوایی، عبدالحسین و غفاری‌فرد، عباسقلی. (۱۳۸۸). تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در دوران صفویه. تهران: سمت.
۱۵. همدانی، میرزاابوبالاب کلیم. (۱۳۶۹). دیوان. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد قهرمان. مشهد: آستان قدس رضوی.

مقاله

۱. امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۰). «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن». در فصلنامه‌ی

